

The government's civilizational duties towards the physically and mentally disabled people from the perspective of the Quran and hadiths

Abolfazl Teymuri *
Rasul Mohammadjafari **

Received: 2020/09/18

Accepted: 2021/02/21


Abstract

Some people in human societies are the physically and mentally disabled who, like other people, have all the rights. Governments have the most important role to play in enforcing their rights. Religious teachings refer to governments' duties towards the physically and mentally disabled people. The present study thrives to answer the question with a descriptive-analytical method and its main question is "From the viewpoint of the Quran and hadiths, what are the modern Islamic civilization government's duties in relation to the physically and mentally disabled people? The findings of the study indicated that, according to religious teachings, government agents have at least five types of obligations for disabled people's sake: 1- Economic duties, 2- Social, 3- Political, 4- Educational, 5- Legal and judicial. In the economic terms, the government's duty is to support all their material needs. In the social arena, it should provide the ground for their presence in society with such matters as the transfer of social responsibilities. In educational terms, through facilitating educational facilities, their intellectual and epistemological promotion should be considered by the government. In the political arena, the government should exempt disabled people from difficult tasks, such as jihad. In the field of judicial law, the government should act prudently, so that, on the one hand, disabled people be in a position to assert their rights and on the other hand, they do not ruin others' rights due to compassion for the disabled. Having these recommendations modeled, this study showed that the Islamic State agents should eliminate or minimize their emotional vulnerability in legislation and executive instructions.

Keywords: Physical and Mental Disabilities, Government Duties, New Islamic Civilization, Natural Inequality, Distribution of Justice


.....
* Master of Quran and Hadith Sciences, Shahed University, Tehran, Iran

abolfazl.teymuri@gmail.com

 0000-0002-1816-8958

** Assistant professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

rasulmohamadjafari@yahoo.com

 0000-0002-3554-0694

وظایف تمدنی حکومت در قبال کم‌توانان جسمی و ذهنی از منظر آیات و روایات

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

ابوالفضل تیموری *

رسول محمدجعفری **


چکیده

بخشی از مردم در جوامع بشری، کم‌توانان جسمی و ذهنی هستند که چون دیگر مردمان از تمام حقوق برخوردار هستند؛ لذا حکومتها مهم‌ترین نقش را در استیفای حقوق آنان دارند. در آموزه‌های دینی به وظایف حکومت در قبال کم‌توانان جسمی و ذهنی اشاره شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که، از منظر آیات و روایات، وظایف حکومت در تمدن نوین اسلامی در قبال کم‌توانان جسمی و ذهنی چیست؟ یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد؛ که بر اساس آموزه‌های دینی، کارگزاران دولتی در قبال کم‌توانان، دست کم پنج تکلیف دارند: ۱- وظایف اقتصادی، ۲- وظایف اجتماعی، ۳- وظایف سیاسی، ۴- وظایف آموزشی، ۵- وظایف حقوقی و قضایی. در حوزه اقتصادی تمام نیازهای مادی آنان را مورد حمایت قرار دهد. در عرصه اجتماعی زمینه حضور آنان در اجتماع را با اموری چون واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی فراهم کند. در زمینه آموزشی با تسهیل امکانات آموزشی، ارتقای فکری و معرفتی آنان را مورد توجه داشته باشد. در عرصه سیاسی آنان را از وظایف دشواری هم چون جهاد معاف کند. در حوزه حقوقی قضایی، مدبرانه عمل نماید؛ به طوری که از سویی در مقام استیفای حقوق آنان برآید و از سوی دیگر به سبب دلسوزی به کم‌توانان حقوق دیگران را ضایع نگرداند. کارگزاران دولت اسلامی با الگو قرار دادن این توصیه‌ها و وظیفه دارند؛ در قانونگذاری‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی با توجه به این آموزه‌ها، زمینه آسیب پذیری روحی و عاطفی ایشان را برطرف کرده؛ یا به حداقل برسانند.

واژگان کلیدی: کم‌توانان جسمی و ذهنی، وظایف حکومت، تمدن نوین اسلامی، نابرابری طبیعی، توزیع عدالت.


* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

abolfazl.teymurii@gmail.com

 0000-0002-1816-8958

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

rasulmohamadjafari@yahoo.com

 0000-0002-3554-0694

مقدمه

در طول تاریخ و در میان جوامع بشری همواره بخشی از افراد به معلولیت‌هایی در جسم یا ذهن دچار بوده‌اند. امروزه از این افراد تحت عنوان کم‌توانان جسمی و ذهنی یاد می‌گردد. این افراد به سبب محرومیت از نعمت سلامت با چالش‌ها و مشکلات متعددی مواجه هستند؛ این مسأله، رفتار متفاوت، به ویژه از سوی اعضای خانواده، جامعه و حکومت را در تعامل با آنان اقتضا دارد. در این بین شاید مهم‌ترین وظیفه بر عهده حکومت باشد؛ چنان‌که در آموزه‌های دینی به حقوق آنان توجه شده است.

کم‌توانی از لوازم ضروری نظام مادی است؛ اگر اصل این‌گونه عوامل برچیده شود؛ نظام ملکی به نظام ملکوتی تبدیل می‌شود و دیگر احکام فقهی و حقوقی را به همراه نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۹ «ب»، ج ۴، ص ۱۲۹). لذا در آموزه‌های دینی برای ابعاد و شئون زندگی مطلوب تمام انسان‌ها، از جمله کم‌توانان جسمی و ذهنی برنامه‌ها و توصیه‌ها - گاه به صورت کلی و گاه به صورت جزئی و تفصیلی - وجود دارد. برای نمونه از امام حسین (ع) در نقد بی‌توجهی به کم‌توانان روایت شده است: «نابینایان، لال‌ها و زمین‌گیرشدگان در شهرها بدون حمایت مانده‌اند؛ چرا آنان را مورد لطف و محبت خود قرار نمی‌دهید و کسی که خواهان کمک به آنان است یاری نمی‌کنید»^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۲۳۸). از امام رضا (ع) نقل شده است: «خداوند افراد سالم را برای رسیدگی به زمین‌گیرشدگان و مبتلایان به بیماری مکلف فرموده است»^۲ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸). همچنین امام علی (ع) در نامه معروفش که به مالک اشتر - در دوران حکومتش زمانی که مالک اشتر را به ولایت مصر و شهرهای تابع آن گماشت - نگاشته است؛ توصیه‌های مهمی - چنان‌که خواهد آمد - درباره کم‌توانان بیان فرموده است (سیدرضی، ۱۳۷۸، صص ۶۹۷-۶۹۹).

۱- «... وَ الْعُمَىٰ وَ الْبُكْمَ وَ الزَّمَنِي فِي الْمَدَائِنِ مُهْمَلَةٌ لَا تُرْحَمُونَ وَ لَا فِي مَثَرَاتِكُمْ تَعْمَلُونَ وَ لَا مِنْ عَمَلٍ فِيهَا تُعِينُونَ»

۲- «... لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبُلُوَى»

در اهمیت و تشویق یاری‌رسانی به کم‌توانان از پیامبر(ص)، روایت شده است؛ هرکس معلولی را در آموزش یاری‌رساند؛ خداوند آن شخص را در کارهایش یاری دهد و در روز قیامت فرشتگانی می‌گمارد که او را در عبور از مواضع دهشتناک قیامت و گودال‌های آتش یاری‌رسانند؛ به طوری که دودها و باد گرم به او برخورد نکند و به سلامت و ایمنی از پل صراط عبور کرده و به بهشت برسد^۱ (حسن بن علی(ع)، ۱۴۰۹ق، ص ۶۳۵).

این روایات و روایات فراوان دیگر، بیانگر جایگاه مهم کم‌توانان جسمی و ذهنی است؛ به طوری که به تصریح عالمان، یاری‌رسانی به آنان واجب کفایی است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۴۷۵). با این وجود در قانون‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، به آنان توجه شایسته صورت نگرفته است. شاید یکی از علل آن، خلأ معرفتی و آگاه نبودن قانون‌گذاران و مجریان دولتی از توصیه‌ها و روش‌های پیشنهادی آموزه‌های دینی است. نظر به اهمیت مسأله، پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که از منظر آیات و روایات، وظایف تمدنی حکومت در قبال کم‌توانان جسمی و ذهنی چیست؟ اهمیت پرداختن به این موضوع و امثال این موضوع در تمدن نوین اسلامی، از منظر آموزه‌های دینی بدین سبب است؛ اول، آن که در نظریه «تمدن نوین اسلامی»، دو بعد تمدنی و اسلامی در درون خود اندیشه تعالی، تمدن برتر، تکامل و هویت را دارد (نجفی، ۱۳۹۹، ص ۱). دوم، «الگوی تمدن نوین اسلامی بر اساس رشد کوثری است و از ویژگی‌هایی چون خودکفایی موزون، پایدار، خلاق، آزاد، جامعه‌گرا و بهره‌مند از میراث گذشته برخوردار است» (سعیدیان جزی، ۱۳۹۹، ص ۱). سوم، یکی از آثار و فواید دین، شکوفایی تمدن است؛ زیرا هر جا که دین حضور پیدا کرد؛ تمدن جلوه‌های بیشتری از خود ارائه کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ «الف»، ص ۴۷).

۱- «مَنْ أَعَانَ ضَعِيفًا فِي بَدَنِهِ عَلَى أَمْرِهِ، أَعَانَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَمْرِهِ، وَ نَصَبَ لَهُ فِي الْقِيَامَةِ مَلَائِكَةً يُعِينُونَهُ عَلَى قَطْعِ تِلْكَ الْأَهْوَالِ - وَ عُبُورِ تِلْكَ الْخُنَادِقِ مِنَ النَّارِ، حَتَّى لَا يُصِيبَهُ مِنْ دُخَانِهَا وَ لَا سُؤْمُومِهَا، وَ عَلَى عُبُورِ الصَّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ سَالِمًا آمِنًا»

۱. پیشینه پژوهش

حسن علایی در پایان نامه خود، با عنوان « نابینایی از منظر آیات و روایات » از وظایف نابینایان در دو بعد اخلاقی و عبادی سخن گفته و سپس به وظایف حکومت و جامعه نسبت به نابینایان پرداخته و در پایان با بیان منزلت خاص نابینایان نزد خدا، جزای اخروی آنان را یادآور می‌شود؛ تا به آنان امید و انگیزه حرکت داده و اطرافیانشان را به نعمت وجود آنان دلگرم سازد (حسن علایی، ۱۳۹۱). این پایان نامه محدود به نابینایان بوده و موضوع سایر کم‌توانان جسمی و ذهنی مورد توجه قرار نگرفته است.

مقاله «تناسب آیات قرآنی در عرصه تکریم معلولین» به صورت عام به موضوع تکریم کم‌توانان جسمی و ذهنی پرداخته است و به مسأله وظایف حکومت اشاره چندانی ندارد. نویسنده در این مقاله به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم نه تنها بر تعامل مثبت و انسانی و رفتار احترام آمیز با معلولان تأکید دارد؛ بلکه کسانی که با ترش‌رویی با معلولان برخورد کرده‌اند؛ مورد عتاب خداوند قرار گرفته و توبیخ شده‌اند (نوری، ۱۳۹۳، صص ۲۲۸-۲۳۷).

مقاله «احکام و وظایف شرعی ناشنوایان» از دیگر مقالاتی است که به بررسی حقوق ناشنوایان از منظر فقیهان می‌پردازد. نویسنده در این مقاله وظایف فردی ناشنوایان در ارتباط با خداوند را آورده و در ادامه وظایف اجتماعی و مدنی آنها را بررسی کرده است (قاسمی، ۱۳۹۴، صص ۲۸-۳۱). در این مقاله هیچ اشاره‌ای به وظایف حکومت در قبال این‌گونه افراد نشده است.

در مقاله «حدوث قدرت بر رکوع و تأثیر آن بر نماز معلولین»، به بررسی حکم رکوع معلولین و بیمارانی نظیر ام‌اس و... پرداخته شده است که به دلیل ناتوانی، لازم است؛ رکوع را در حالت نشسته به جا آورند؛ اما در حین نماز، ممکن است بر انجام رکوع به شکل اصلی قدرت پیدا کنند (محب‌الرحمان و قاضی زاده، ۱۳۹۴).

منصوری پارسا و للّحج در پژوهش خود، با عنوان «رویکرد اسلام در رابطه با معلولان و

نقش طراحی توانبخشی در راستای بهبود کیفیت زندگی آنان»، با هدف بررسی تاثیر معلولیت در کیفیت زندگی خانواده معلولان و ارائه راه‌کارهایی در جهت بهبود کیفیت زندگی خانواده آنان، بیان نموده اند: اشخاص دارای معلولیت یکی از آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند که نوسازی و بازسازی نقش مهمی در بهبود زندگی اجتماعی شان دارد و نیازمندیهای اشخاص دارای معلولیت در تمام عرصه های انکشافی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد. قرآن و نهج البلاغه دو متن اصلی در فرهنگ اسلامی، در موارد مختلف بر اهتمام به امور معلولین تأکید کرده و علاوه بر متون اصلی دین، سیره عملی بزرگان و رهبران اسلام هم گویای اهتمام بر توجه به معلولین است (منصوری پارسا و للوح، ۱۳۹۴). به رغم وجود پژوهش های انجام شده در این موضوع، هیچ پژوهشی به بررسی جامع به وظایف حکومت در تمدن نوین اسلامی، نسبت به کم‌توانان جسمی و ذهنی و چگونگی تعامل با آنان از منظر آیات و روایات نپرداخته است.

۲. مبانی نظری

در این نوشتار دو کلیدواژه اساسی وجود دارد؛ یک کم‌توانی جسمی و ذهنی (معلولیت) و دیگری حکومت است که تعاریف متعددی درباره این دو از سوی صاحب نظران ارائه شده است که به برخی از آنها و تعریف برگزیده اشاره می‌گردد:

الف) معلولیت: معلولیت و ناتوانی شرایطی است که در توانایی فرد برای انجام کارهای روزانه اختلال ایجاد می‌کند. از نظر سازمان بهداشت جهانی، معلولیت عبارت است؛ از هرگونه محدودیت یا فقدان توانایی انجام فعالیت‌های عمومی و متعارف که از یک نقص عضو نشأت می‌گیرد (حسینی و صفری، ۱۳۸۷، ص ۲۶۷). در قانون حمایت از حقوق معلولان - مصوب مجلس شورای اسلامی - فرد دارای معلولیت به کسی اطلاق می‌گردد که در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی (بینایی و شنوایی)، ذهنی و روانی و یا توأم، با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی مواجه

است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۱).

در این تحقیق منظور از کم‌توانان جسمی و ذهنی، کسانی هستند که وجود هرگونه آسیب فیزیکی و ذهنی در آنان، موجب اختلال در عملکرد و فقدان توانایی‌شان شده است و تفاوتی ندارد کم‌توانی ایجاد شده از بدو تولد - و به اصطلاح مادرزادی - باشد؛ یا کم‌توانی ناشی از حوادث و رخداد‌های ناشی از سقوط از ارتفاع، تصادف و ... باشد. ممکن است؛ گفته شود؛ آیات و روایات مرتبط با کم‌توانان، بر کم‌توانی مادرزاد دلالت دارند و نمی‌توان بر کم‌توان غیرمادرزاد تعمیم داد. در پاسخ به این اشکال باید گفت؛ اول آن که، فحوای آیات و روایات اطلاق بر همه کم‌توانان اعم از مادرزاد و غیر مادرزاد دلالت دارند. دوم، حتی اگر آیات و روایات بر کم‌توانی مادرزاد دلالت داشته باشند؛ با الغای خصوصیت می‌توان بر اعم از مادرزاد و غیر مادرزاد تعمیم داد.^۱

ب) حکومت: برای حکومت تعریف‌های گوناگون ارائه شده است؛ از جمله: الف) ارگانی رسمی که بر رفتارهای اجتماعی افراد جامعه نظارت داشته و سعی می‌کند؛ به رفتارهای اجتماعی مردم جهت ببخشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۱). ب) فرمانروایی یک شخص و یا یک هیئت حاکمه و یا هیئت‌های مختلف بر جامعه‌ای، به منظور تنظیم و اصلاح امور اجتماعی و انتظام در معاش آن جامعه، حکومت گفته می‌شود (علی بابائی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۵). ج) رهبری منسجمی که در سطح کلان جامعه، امر و نهی و اعمال قدرت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۰). آن‌چه در این پژوهش مد نظر است؛ آن است که در اندیشه سیاسی اسلام، حکومت وسیله‌ای برای ابلاغ و اجرای احکام و دستورات

۱- الغای خصوصیت، الغای ویژگی‌های غیر مؤثر در تعلق حکم به منظور توسعه در مصادیق متعلق حکم است؛ برای مثال، در جایی که شارع می‌گوید: «ان سافرت بین مکة و المدینة ثمانية فراسخ فقصّر»؛ «اگر بین مکه و مدینه به قصد سفر، هشت فرسخ را پیمودی نماز خود را شکسته بنخوان»، مجتهد از طریق الغای خصوصیت، حکم را به هر سفری که هشت فرسخ یا بیشتر باشد؛ سرایت می‌دهد؛ زیرا برای مکه و مدینه خصوصیتی در تعلق حکم قصر نمی‌بیند و آنها را الغا می‌نماید و حکم را روی سفر هشت فرسخی می‌برد؛ چه بین مکه و مدینه باشد و چه جای دیگری باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۲۳۶-۲۳۷).

الهی شمرده می‌شود؛ که وظیفه‌ای بسیار سنگین برای اجرای عدالت، احقاق حق و امانتی وزین بر عهده حاکم است. پس اول، حکومت امانتی الهی است که باید به اهلش واگذار شود؛ دوم، هدفش ایجاد عدالت اجتماعی است (خسروپناه و داعی نژاد، ۱۳۷۷، ص ۱۹).

۳. وظایف حکومت نسبت به کم‌توانان جسمی و ذهنی

با بررسی آیات و روایات و استخراج گزاره‌های مرتبط با کم‌توانان جسمی و ذهنی، وظایف حکومت نسبت به کم‌توانان جسمی و ذهنی در پنج محور استخراج گردید: ۱- وظایف اقتصادی، ۲- وظایف اجتماعی، ۳- وظایف سیاسی، ۴- وظایف آموزشی، ۵- وظایف حقوقی و قضایی.

۳-۱. وظایف اقتصادی

از مهم‌ترین وظایف حکومت نسبت به کم‌توانان جسمی و ذهنی، حمایت اقتصادی از آنان است؛ به طوری که یکی از اساسی‌ترین سیاست‌ها در حمایت از افراد آسیب‌پذیر، تهیه درآمدی ثابت و کافی برای آنان است (حسینی و صفری، ۱۳۸۷، ص ۲۷۳). به صورت طبیعی یکی از پیامدهای معلولیت، تقلیل سبب درآمد خانوار است؛ اگر معلول خود سرپرست خانواده باشد؛ در اثر معلولیت حرفه و شغل خود را از دست دهد؛ سبب درآمد خانواده از بین می‌رود. اگر افراد دیگر خانواده معلول باشند؛ سرپرست خانواده به دلیل لزوم مراقبت از معلول ممکن است؛ دچار چالش درآمدی گردد. همچنان‌که هزینه‌های اضافی در نتیجه معلولیت، بسته به نوع، میزان و شدت معلولیت، هزینه‌های خانواده را افزایش می‌دهد و سقوط درآمدی خانواده را موجب می‌شود (همان، ص ۲۷۷). کمک و رسیدگی حکومت به افراد کم‌توان، موجب پذیرش و حمایت بیشتر از آنان در خانواده نیز می‌گردد؛ پس از جنگ جهانی دوم، همزمان با رشد اقتصادی در برخی کشورهای غربی و افزایش تأسیس مؤسسات جدید برای افراد دارای ناتوانی، تعداد والدینی که تمایل به نگهداری فرزند ناتوانشان در منزل را داشتند؛ افزایش یافته بود (صادقی و فاطمی نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۶۹).

بنابراین رفع مشکلات اقتصادی کم‌توانان جسمی و ذهنی - که در تأمین نیازهای اقتصادی خویش دچار چالش هستند- با برنامه‌ریزی‌های صحیح دولتمردان و کارگزاران نقش بسزایی در بهزیستی آنان خواهد داشت. این مهم مورد توجه پیشوایان دینی بوده است و به وظایف حکومت در تأمین هزینه‌های زندگی کم‌توانان جسمی و ذهنی - حتی اگر کیش اسلام نداشته باشند- عنایت داشته و از حقوق ایشان دفاع کرده‌اند. برای نمونه در حکومت امام علی (ع) پیرمرد نابینایی، در یوزه‌گری می‌کرد؛ امیر مؤمنان (ع) فرمود: چرا این شخص گدایی می‌کند؟ گفتند: مردی مسیحی است. امیر مؤمنان (ع) فرمود: او را به کار گرفتید تا زمانی که پیر و ناتوان شد، آنگاه از کمک کردن به او دریغ می‌کنید؟ از بیت المال مخارج او را تأمین کنید^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۹۳).

اِثْمَهُ (ع) نه تنها خود بر حمایت از این‌گونه افراد و دفاع از حقوق ایشان همت می‌گماشتند، بلکه والیان و استانداران خویش را بر حمایت از آنان سفارش می‌نمودند؛ زمانی که امام علی (ع)، مالک اشتر را به فرمانداری مصر منصوب کرد؛ در عهدنامه معروفی که در آن، منشور حکمرانی را نگاشتند؛ وظایف مختلف حکومت را نسبت به نیازمندان، درماندگان و بیماران جامعه - که کم‌توانان جسمی و یا ذهنی از این گروه هستند - متذکر گشتند. برخی از مهم‌ترین نکات مستفاد از این نامه در ارتباط با وظایف حاکمان در قبال کم‌توانان جسمی به تفصیل ذیل است:

۱. شناسایی این گروه از اعضای جامعه؛ اگرچه برخی کم‌توانان فقیر به تکدی‌گری روی می‌آورند؛ با این وجود، عده‌ای دیگری از کم‌توانان به سبب شرم و حیاء، نیازمندی خود را پنهان می‌کنند.

۲. بخشی از بیت المال در قالب یارانه‌های مختلف، مانند یارانه ارزاق، آموزشی، درمانی،

۱- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ رَجُلٍ بَلَغَ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يُسْأَلُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَا هَذَا قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَصْرَانِيٌّ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفِقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ»

خدمت‌ماتی، رفاهی و جهت تأمین نیازهای آنان اختصاص یابد.

۳. چتر حمایتی حکومت اسلامی باید همه کم‌توانان را در تمام استانها، شهرها و روستاها فرا بگیرد و فقط توجه به افرادی که در پایتخت و کلان شهرها هستند؛ کفایت نمی‌کند؛ زیرا کسانی که در مکان‌های دور دست و استان‌ها و شهرهای محروم هستند؛ به یاری و مساعدت سزاوارتر هستند.

۴. رسیدگی به امور این گونه افراد را نباید کوچک و ناچیز شمرد؛ تا مبادا به بهانه پرداختن به وظایف و امور مهم‌تر و ضروری‌تر، حقوق آنان اهمال و ضایع گردد.

۵. باید با آنان در نهایت لطف و محبت رفتار نمود، و نباید تندخویی و بد اخلاقی کرد؛ چرا که آنان رنجور و درد دیده هستند و برخورد نامناسب آلام آنان را مضاعف خواهد کرد.

۶. مأمورانی که برای رسیدگی به اوضاع کم‌توانان گمارده می‌شوند؛ تا حکومت را از وضعیت معیشت و زندگی آنان مطلع نمایند؛ باید افرادی مورد اعتماد، پرهیزکار و متواضع باشند.

۷. با کم‌توانان باید با انصاف و مساوات رفتار نمود و از ظلم و ستم کردن به آنان و ضایع کردن حقوق‌شان بر حذر بود (سیدرضی، ۱۳۷۸، صص ۶۹۷-۶۹۹).

از دیگر وظایف اقتصادی حکومت در ارتباط با کم‌توانان جسمی و ذهنی، ارائه تسهیلاتی است که مقداری از سختی و دشواری ناتوانی را کاهش می‌دهد و زمینه حضور آنان در جامعه را بهتر فراهم می‌سازد. برخی از کم‌توانان جسمی به تجهیزاتی چون عصای سفید (مخصوص نابینایان)، ویلچر، عصا، سمعک یا سایر تجهیزات پزشکی نیاز دارند. سیره درس‌آموز ائمه (ع) - که الگویی جاودانه جهت تحقق تمدن نوین اسلامی است - نشان می‌دهد؛ پیشوایان دینی متناسب با مقتضیات عصر خویش، به این امور به ظاهر جزئی توجه داشته‌اند. در روایت آمده است: امام صادق (ع) به شخصی با نام ابوهارون مکفوف - که

نابینا بود- مقداری پول داد؛ تا با آن برای خودش راهنمایی بخرد^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۲۵).

در متن عربی این حدیث واژه «قائد» (راهنما) به کار رفته است. مراد امام (ع) از آن یا خرید برده‌ای است - که در آن زمان مرسوم بوده است- یا استخدام شخصی است که فرد نابینا به وسیله آن در هنگام رفت و آمد دچار مشکل نشود. امروزه یکی از مصداق‌های راهنما برای نابینایان، عصای سفید است که افراد جامعه یا حکومت وظیفه دارند؛ آن را تهیه کرده و در اختیار نابینایان قرار دهند. با توسعه در مفهوم این حدیث می‌توان گفت؛ هر کم‌توانی که برای انجام امور اولیه زندگی خود نیازمند به حمایت‌های دولتی باشد؛ حکومت باید در صدد تأمین آن برآید.

شایان ذکر است؛ از آنجا که امام صادق (ع) زعامت سیاسی نداشتند؛ شاید اشکال شود که نمی‌توان از این سیره حضرت وظیفه حکومت را استنتاج کرد. در پاسخ باید گفت که اداره مُلک و حکومت‌داری یکی از شئون امامت است که اگر زمینه آن فراهم باشد؛ امام آن را بر عهده می‌گیرد و اگر فراهم نبود؛ آن را وا می‌نهد. در صورت واگذاری حکومت، وظایف گوناگون خود در حوزه فردی، اجتماعی و سیاسی تا جایی که حکومت احساس خطر نکرده و با منافع حکومت در تعارض نباشد؛ انجام می‌دهد. بنابراین از آنجا که امام (ع) بالقوه شأن سیاسی دارد؛ این سیره امام صادق (ع) می‌تواند؛ بیان‌گر وظایف حکومت نسبت به کم‌توانان باشد. اگرچه وظیفه آحاد افراد جامعه نیز از آن استنتاج می‌گردد؛ زیرا یاری رساندن به کم‌توانان وظیفه‌ای اخلاقی و دینی است.

۳-۲. وظایف اجتماعی

معلولیت خود می‌تواند؛ دلیلی برای محرومیت باشد؛ حال اگر این امر با سایر پردشدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و آموزشی توأم شود؛ وضعیت اسفناک‌تر خواهد بود (رضایی و پرتوی، ۱۳۹۴، ص ۹). لذا باید با حمایت‌های اجتماعی از این افراد، به ایجاد

۱- «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ... نَأْوِلُهُ دَنَائِيرَ مِنْ تَحْتِ بَسَاطِهِ فَقَالَ يَا أَبَا هَارُونَ اشْتَرِ بِهَذَا قَائِدًا»

رضایت از زندگی در آنان کمک نمود؛ تحقیقات و بررسی‌ها حاکی از آن است که داشتن حمایت اجتماعی می‌تواند؛ در رضایت از زندگی کم‌توانان تاثیرگذار باشد (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۲). از این روی از دیگر وظایف حکومت در قبال کم‌توانان جسمی و ذهنی، حمایت اجتماعی از آنان است که موجب شکل‌گیری احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس در آنان می‌شود. از این مهم در آموزه‌های دینی سخن رفته است؛ در ادامه به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) امکان ارتباط مستقیم با مسئولان: برقراری ارتباط مستقیم حکومت با کم‌توانان جسمی و ذهنی یکی از مصادیق حمایت اجتماعی است. کم‌توانان به سبب برخی محدودیت‌ها و نقص‌ها، امکان دسترسی آسان به مسئولان حکومتی برایشان مقدور نیست؛ لذا بر حکومت لازم است؛ این زمینه را برای آنان فراهم نماید و به سخنان آنان با سعه صدر گوش فرا دهد. نمونه‌هایی از این امر در سیره پیامبر(ص) - که بالاترین مقام دینی و سیاسی جهان اسلام است - گزارش شده است؛ مردی کر و لال نزد رسول خدا(ص) حضور یافت و با دستش اشاره می‌کرد. رسول خدا(ص) فرمود: کاغذی به او دهید تا آنچه را می‌خواهد، بنویسد! آن مرد نوشت: شهادت می‌دهم معبودی جز «الله» وجود ندارد و محمد(ص) فرستاده او است! رسول خدا(ص) فرمود: برای او کاغذی بنویسید و در آن او را به بهشت بشارت دهید^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۱۹۳).

ب) واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی: یکی دیگر از مصادیق حمایت اجتماعی حکومت از افراد کم‌توان، سپردن مسئولیت‌های اجتماعی به آنان به فراخور قدرت و توانایی‌هایشان است. نقل شده است که رسول خدا(ص) ابن امّ مکتوم را - که نابینا بود - به جای خود، به

۱- «عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ أَصَمٌّ أُخْرَسَ حَتَّى وَقَفَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَشَارَ بِيَدِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَعْطُوهُ صَحِيفَةً حَتَّى يَكْتُبَ فِيهَا مَا يُرِيدُ فَكَتَبَ إِلَيَّ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اكْتُبُوا لَهُ كِتَابًا تُبَشِّرُوهُ بِالْجَنَّةِ»

امامت جماعت مردم منصوب می‌کرد^۱ (أبو داود، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۲). امامت جماعت فقط یک جایگاه تشریفاتی نیست که توسط پیامبر(ص) برای تألیف قلوب و جلب نظر این قبیل افراد واگذار شده باشد. امامت جماعت در زمان حضرت یک مسئولیت اجتماعی و بلکه سیاسی بوده است که در غیاب پیامبر(ص) وظیفه راهنمایی و راهبری جامعه را بر عهده داشته است؛ این امر در یکی دو نوبت نبوده است و در کتاب‌های تاریخ و سیره گزارش شده است که آن حضرت، ابن ام مکتوم را در سیزده نوبت به جانشینی خود برای امامت جماعت برگزید (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۹۵).

همچنین گزارش شده است؛ رسول خدا (ص) دو مؤذن داشت؛ یکی بلال و دیگری ابن ام مکتوم بود. ابن ام مکتوم نابینا بود و قبل از صبح (طلوع فجر)، اذان می‌گفت؛ اما بلال بعد از صبح (طلوع فجر)، از این روی پیامبر (ص) فرمود: ابن ام مکتوم شب هنگام اذان می‌گوید؛ لذا هنگامی که اذان او را شنیدید، بخورید و بیاشامید؛ تا زمانی که اذان بلال را بشنوید (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۹۷). این از نشانه‌های سیره درس آموز رسول خدا(ص) به عنوان حاکم جامعه اسلامی بود؛ چه اینکه حضرت با وجود آنکه می‌دانست؛ این افراد را بر مسئولیت می‌گماشت و هرگز آنان را کنار نمی‌زد؛ بلکه دیگران را به رعایت جوانب کار توصیه می‌نمود.

انتخاب بلال برای اذان گویی - که در آن زمان یک وظیفه مهم اجتماعی به حساب می‌آمد - از جهات مختلف قابل توجه است؛ از جمله اینکه در حجاز سه چیز نشان شوربختی واقعی به شمار می‌آمد: ۱- اجنبی بودن، ۲- بردگی، ۳- سیاه پوستی، و بلال هر سه را داشت (حجتی کرمانی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۴). با این اوصاف رسول خدا (ص) وی را مؤذن خویش قرار داده بود؛ مضاف بر آنها بلال در گویش اشکال داشت و حرف «شین» را به صورت «سین» تلفظ می‌کرد؛ این امر مانع از آن نمی‌شد؛ پیامبر (ص) این مهم را به دیگری

۱- «عَنْ أَنَسٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) اسْتَخْلَفَ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ يُؤْمُّ النَّاسَ وَهُوَ أَعْمَى»

واگذار و می‌فرمود: «سین بلال نزد خدا شین است».^۱ (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۷). حضور افراد معلول در جامعه و مشارکت آنان در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف، موجبات شناخت هرچه بیشتر آنان از سوی جامعه را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی، زمینه مساعد برای تغییر نگرش‌های منفی فراهم و نگرش‌های افراد جامعه نسبت به افراد معلول مثبت‌تر، منطقی‌تر و واقع‌بینانه‌تر خواهد شد (کلدی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷). همچنین حضور کم‌توانان جسمی و ذهنی در اجتماع، موجب رشد قابلیت‌های انسانی و اجتماعی در آنان می‌شود؛ با رشد قابلیت‌های انسانی در فرد معلول و برخورداری از فرصت‌های برابر، شرایط امکان خروج از وضعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و آموزشی حاصل می‌شود (حسینی و صفری، ۱۳۸۷، ص ۲۷۳).

امروزه به رغم تصویب قانون‌های مخصوص برای استخدام و به کارگیری افراد کم‌توان در ارگان‌ها و بخش‌های دولتی، کم‌توانان کمتر به خدمت گرفته می‌شوند؛ این در حالی است که تحقیقات نشان می‌دهد؛ کار در زندگی معلولان جسمی و ذهنی نقش مهمی دارد. دلیل این امر آن است که اشتغال به کار می‌تواند؛ در تأمین مایحتاج زندگی، برقراری روابط مناسب اجتماعی، رفع کمبودها و ایجاد اعتماد به نفس فرد معلول نقش جبران‌کننده‌ای داشته باشد (نوری، ۱۳۶۶، ص ۲۸). از این رو باید در کنار وضع قوانین، بر اجرای آن نیز نظارت گردد؛ تا امور استخدام کم‌توانان سامان یابد.

ج) تکریم کم‌توانان: یکی از وظایف مهم مسئولان در ارتباط با کم‌توانان جسمی و ذهنی، ارتباط همراه با تکریم و اجتناب از تحقیر آنان است؛ به طور قطع کم‌توانان به سبب معلولیتشان به تکریم و بلکه تفقد و دلجویی نیازمند هستند. طبق آیات قرآن، هنگامی که پیامبر(ص) به عنوان رهبر جامعه در مهم‌ترین وظایف محوله الهی خود یعنی دعوت مشرکان به دین قرار داشت؛ نایبایی به این جمع وارد می‌شود و به وسیله یکی از حاضران

۱- «إِنَّ سَيْنَ بِلَالٍ عِنْدَ اللَّهِ شَيْنٌ»

در مجلس مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرد؛ سوره عبس فرود می‌آید و این مسأله مهم را یادآور می‌گردد. در آیات آغازین سوره عبس فرموده است: «عَبَسَ وَ تَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكَّى * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى»^۱ (عبس / ۱-۴).

هدف این سوره، سرزنش کسانی است که توانگران را بر ناتوانان و بینوایان مؤمن ترجیح می‌دهند؛ دنیا دوستان را احترام می‌کنند و آخرت پیشه‌گان را بی‌مقدار می‌دانند. در این آیات که تعبیر «اعمی» آمده است؛ تا نکوهیدن، افزون‌تر باشد و بیان بدارد؛ اگر نیازمندی مراجعه کند و آن نیازمند، نابینا باشد و درخواستش هم دینی باشد و ترس از خدا او را به این کار برانگیخته باشد؛ سزاوار است بیش از دیگر مراجعه‌کنندگان به او مهربانی شود و مورد توجه و عطف قرار گیرد و نباید در مواجهه با او چهره در هم کشید و روی برتافت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۰۰).

اگرچه پیامبر(ص) نسبت به آن فرد نیازمند نابینا، بی‌احترامی نکرد و فرد دیگری مواجهه متکبرانه داشت؛ با این وجود نزول این آیات در متن حادثه‌ای که پیامبر(ص) - به عنوان حاکم جامعه اسلامی - حضور داشت؛ اول، ترسیم خط مشی و وظیفه اجتماعی زمامداران در قبال کم‌توانان است و دوم، وظیفه اجتماعی آحاد جامعه نسبت به آنان را تبیین می‌کند.

۳-۳. وظایف سیاسی

کم‌توانان در عرصه مسائل سیاسی بسان دیگر افراد جامعه توانایی بروز و ظهور در اجتماع را ندارند؛ لذا حکومت موظف است؛ آنان را از وادار کردن به امور طاقت‌فرسا و دشوار چون جهاد معاف بدارد. در آیات قرآن از این مهم سخن به میان آمده است: «لَيْسَ عَلَيَّ الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ»^۲ (الفتح / ۱۷). «اعمی» به کسی اطلاق می‌گردد که به سبب آسیبی که در چشم دارد، نمی‌تواند ببیند و

۱- «چهره درهم کشید و روی گردانید، که آن مرد نابینا پیش او آمد و تو چه دانی، شاید او به پاکی گراید، یا پند

پذیرد و اندرز سودش دهد»

۲- «بر نابینا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند]».

«أعرج» به کسی گفته می‌شود که نقصانی در پا داشته باشد. در این آیه، خداوند کسانی را که به این معلولیت‌ها دچار هستند؛ برای حضور در جهاد دوشادوش مؤمنان، اجبار نکرده است (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۲۷). مفسران در سبب نزول این آیه نوشته‌اند؛ گروهی از معلولان و بیماران برای کسب تکلیف جهاد نزد رسول خدا (ص) حاضر گردیدند؛ خداوند این آیه را در پاسخ به سؤال آنان نازل کرد و آنان را از جهاد معاف نمود (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۱۶۸).

بنابراین حکومت اسلامی موظف است؛ کم‌توانان را از جنگ و جهاد معاف نماید. با توسعه بیشتر در مفهوم آیه می‌توان گفت؛ حکومت اسلامی موظف است؛ هرگونه تکلیف سیاسی که از عهده کم‌توانان خارج است؛ یا آنان را متحمل سختی طاقت فرسا می‌نماید؛ معافشان بدارد. معافیت از دوره ضرورت خدمت وظیفه عمومی (سربازی) نمونه‌ای از اسقاط تکالیف دشوار از کم‌توانان می‌تواند باشد.

لازم به ذکر است در مواقعی که جهاد برای دفع و راندن هجوم دشمنان به سرزمین باشد؛ جهاد بر همگان واجب می‌گردد و بر همه افراد جامعه، سالم و غیر سالم، بزرگ و کوچک، زن و مرد به مقدار توانشان مقابله با دشمنان لازم می‌آید (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۸۱).

۳-۴. وظایف آموزشی

یکی از وظایف حکومت در قبال کم‌توانان فراهم آوردن زمینه آموزش برای آنان است. پرداختن به این مسأله جزء اساسی‌ترین وظایف حکومت نسبت به آحاد افراد جامعه و به ویژه کم‌توانان است. زیرا اول آنکه، علم‌آموزی موجب بالفعل کردن استعدادها و مترام و بالقوه کم‌توانان می‌گردد و تجربه نشان داده است؛ در صورت بسترسازی برای این افراد، آنان قادرند قله‌های علمی دشوار را درنوردند. دوم، مشغولیت علمی موجب اشتغال فکری مفید و سازنده گردیده و مانع از افسردگی و پریشان‌خاطری و خطورات فکری یأس‌آور است. سوم، به میزانی که بر دانش آنان افزون می‌گردد؛ بر رشد و تعالی فکری، معرفتی و

آموزشی آنان افزوده شده و پذیرش چالشی که با آن مواجه هستند؛ آسان تر خواهد شد. برخی از اصحاب فرزانه و فرهیخته ائمه (ع)، نابینا بوده‌اند؛ یکی از برجسته ترین آنان - که از اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است - شخصی به نام ابوبصیر است. ائمه (ع) عرصه را همواره برای آموزش به وی فراهم می نمودند؛ از این روی ابو بصیر گاه با کمک کودکی برای آموزش نزد امام صادق (ع) حاضر می گردید^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۸۳). در روایت دیگری نقل شده است که ابوالجارود به امام باقر(ع) عرضه می‌دارد؛ من نابینا و پیر هستم و فاصله‌ام تا شما بسیار است. می‌خواهم چیزی بیاموزم که با آن آموخته، متدین به دین خدا باشم (و به آن احتجاج نمایم) و به آن تمسک بجویم و آن را (به وارثانم) ابلاغ کنم. امام(ع) از سخن وی شاد شد و صاف نشست و فرمود: ای ابو الجارود! همان‌گونه که گفתי، سخنانت را دوباره تکرار کن. پس از تکرار ابوالجارود، امام(ع) فرمود: دین، شهادت به یگانگی خداوند و رسالت محمد (ص) است. دین، برپایی نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان، حج خانه خدا، دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان ما، تسلیم در برابر دستورات ما، انتظار برای ظهور قائم (عج) و تقوا و تلاش است^۲ (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۵).

اهتمام امام صادق (ع) به فراگیری آموزش و استقبال ایشان از یادگیری کم‌توانان، اگرچه به صورت فردی بوده است و از جایگاه و شأن حکومتی و حکمرانی صادر نشده است؛ با این وجود سیره ایشان به عنوان الگویی برای تبیین و ترسیم وظایف تمدنی حکومت بوده و یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. به علاوه در تمدن نوین اسلامی

۱- «عَنْ أَبِي بصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أَبُو بصِيرٍ دَخَلْتُ إِلَيْهِ وَ مَعِيَ غُلَامٌ يَقُوذُنِي...»

۲- «وَعَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع إِنِّي امْرُؤٌ ضَرِيرٌ أَبْصَرُ كَبِيرَ السِّنِّ وَ الشَّعَّةُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ بَعِيدَةٌ وَ أَنَا أَرِيدُ أَمْرًا أَدِينُ اللَّهُ بِهِ [وَ أَحْتِجُّ بِهِ] وَ أَتَمَسِّكُ بِهِ وَ أُبَلِّغُهُ مَنْ [خَلَفْتُ] [قَالَ فَأَعْجِبْ بِقَوْلِي فَاسْتَوَى جَالِسًا] فَقَالَ يَا أَبَا الْجَارُودِ كَيْفَ قُلْتَ رُدُّ عَلَى قَالَ فَرَدَدْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ نَعَمْ يَا أَبَا الْجَارُودِ شَهَادَةُ أَلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِتْيَاءُ الزَّكَاةِ وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حِجُّ الْبَيْتِ وَ وِلَايَةُ وَلِيِّنَا وَ عَدَاوَةُ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَ انْتِظَارُ قَائِمِنَا وَ الْوَرَعُ وَ الْإِحْتِيَادُ»

وظیفه آموزش کم‌توانان تنها بر عهده حکومت نیست و تمام اعضای جامعه به فراخور توانایی و امکانات خود در این امر مسئول هستند. در روایتی رسول خدا (ص) به ابوذر می‌فرماید: «هر انسانی در هر روز موظف است صدقه‌ای دهد، ابوذر عرضه می‌دارد که امکان مالی برای صدقه ندارد؛ حضرت می‌فرماید که صدقه تنها صدقه مالی نیست؛ آن‌گاه امور مختلفی برمی‌شمارد که یکی از آن‌ها را راهنمایی کردن نابینا و آموزش دادن به ناشنوا و بی‌زبان (کر و لال) است^۱ (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۹).

امروزه تحقیقات نشان داده است؛ کودکان معلول در صورت دریافت آموزش‌های صحیح می‌توانند؛ مایه سعادت خانواده شوند. به عکس در صورت مواجهه با روش‌های تربیتی نامطلوب و تعصب‌های نابجا و دلسوزی‌های بی‌مورد به سمتی سوق داده شوند که بار سنگینی بر دوش خانواده، به خصوص پدر و مادر خود باشند و عوارض معلولیت و ناتوانی در آنان افزایش یابد (ترا بیان، ۱۳۹۴، ص ۳۶).

۳-۵. وظایف حقوقی و قضایی

افراد کم‌توان جسمی و ذهنی به سبب معلولیت‌هایی که بدان دچار هستند؛ ممکن است توانایی احقاق حقوق خود را نداشته باشند. از مهم‌ترین وظایف تمدنی حکومت در قبال کم‌توانان پاسداری و استیفای حقوق آنان است. در روایات، نمونه‌هایی از توصیه‌های معصومان وارد شده است؛ برای نمونه از امام صادق (ع) سؤال شد؛ حکم مردی که با زنی ازدواج می‌کند و پس از ازدواج وقتی زن را می‌آورند می‌بیند نابینا است؛ یا پیسی گرفته یا لنگ است، چیست؟ حضرت فرمود: زن به ولی‌اش برگردانده می‌شود و او حق مهر دارد که باید ولی‌اش به او بپردازد^۲ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۲۴).

۱- « قَالَ أَبُو ذَرٍّ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ صَدَقَةٌ مِنْهُ عَلَى نَفْسِهِ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مِنْ أَيْنَ أَنْصَدَقُ وَتَيْسَ لَنَا أَمْوَالٌ؟ قَالَ: " لِأَنَّ مِنْ أَبْوَابِ الصَّدَقَةِ التَّكْبِيرَ... وَتَهْدِي الْأَعْمَى، وَتَسْمِعُ الْأَصَمَّ وَالْأَبْكَمَ حَتَّى يَفْقَهُ »

۲- « عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي الرَّجُلِ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ فَيُؤْتِي بِهَا غَمِيَاءَ أَوْ بَرَصَاءَ أَوْ عَرَجَاءَ قَالَ تَرَدُّ عَلَى وَلِيِّهَا وَ يَكُونُ لَهَا الْمَهْرُ عَلَى وَلِيِّهَا »

در ظاهر مراد حدیث آن است که دختری با ابتلا به یکی از این بیماری‌ها یا معلولیت‌ها به عقد مردی در می‌آید؛ مرد قبل از عقد از معلولیت آگاه نبوده است و پس از عقد مطلع می‌شود؛ در چنین صورتی مرد حق فسخ و طلاق دارد و چون با انعقاد عقد و بدون دخول نیمی از مهریه به زن تعلق می‌گیرد؛ این مهریه باید توسط ولیّ دختر به دختر پرداخت شود؛ زیرا وی با آگاهی از معلولیت، او را به عقد نکاح درآورده است. در چنین شرایطی حکومت باید ورود داشته باشد و در صورتی که ولیّ دختر از پرداخت مهریه استنکاف ورزد از او باید ستانده و به دختر دهد.

در روایت دیگری آمده است: یکی از یاران امام رضا (ع) از حضرت پرسید: مردی همسری دارد و زبان خود را بسته و سخن نمی‌گوید! فرمود: آیا لال است؟ عرض کردم: آری و می‌دانیم که همسرش را دشمن می‌دارد و زندگی با او را دوست ندارد. آیا ولیّ او می‌تواند همسرش را طلاق دهد؟ فرمود: خیر! لیکن خود بنویسد و شاهد نیز بگیرد. عرض کردم: این شخص نمی‌تواند بنویسد و خود نمی‌شنود چگونه طلاق دهد؟ فرمود: به همان روشی که امور دیگرش را می‌فهماند؛ مثل همین که گفتی همسرش را دوست ندارد و با او در ستیز است^۱ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۱۵). شیخ صدوق در ادامه این حدیث می‌نویسد: هر گاه شخصی لال بخواهد؛ همسرش را طلاق دهد؛ روسری او را برگردد و بر سرش اندازد و بنمایاند که تو بر من حرام شدی؛ و هر گاه بخواهد رجوع کند؛ روسری از سر وی برگردد و بنمایاند که بر من حلال گشتی» (همان). در اینجا منظور از رجوع، طلاق رجعی است که هرگاه زوجین بخواهند؛ مراجعه کنند و به جاری کردن مجدد صیغه عقد نیاز نیست.

۱- «سَأَلَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَرْثَمِيّ - أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَاعَ عَنْ رَجُلٍ تَكُونُ عِنْدَهُ الْمَرْأَةُ يَصْنُمْتُ وَلَا يَتَكَلَّمُ قَالَ أَحْرَسُ هُوَ قُلْتُ نَعَمْ فَنَعَلِمُ مِنْهُ بَعْضًا بِالْمَرْأَةِ وَ كَرَاهَهُ لَهَا أَيْ جُوزُ أَنْ يُطَلِّقَ عَنْهُ وَ لَيْتَهُ قَالَ لَا وَ لَكِنْ يَكْتُبُ وَ يُشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَإِنَّهُ لَا يَكْتُبُ وَ لَا يَسْمَعُ كَيْفَ يُطَلِّقُهَا قَالَ بِالَّذِي يُعْرَفُ بِهِ مِنْ أَفْعَالِهِ مِثْلَ مَا ذَكَرْتَ مِنْ كَرَاهَتِهِ وَ بَعْضِهِ لَهَا»

از این روایت می‌توان استفاده کرد؛ محاکم قضایی در حکومت اسلامی موظف هستند؛ به دعای‌ای که کم‌توانان در یک طرف آن قرار دارند؛ ورود عالمانه داشته باشند. ضمن اینکه به هنگام بررسی ادله طرفین (شاکی و متشاکی)، به ظرفیت‌های جسمی کم‌توانان که در یک طرف دعوا قرار دارند؛ توجه شود؛ تا احیاناً حقی از آنان ضایع نگردد.

از دیگر وظایف قضایی حکومت در قبال کم‌توانان، پذیرش شهادت آنان در محاکم قضایی است؛ به این امر در روایات معصومان (ع) تصریح شده است، نمونه‌ها:

الف) محمد بن قیس گوید: از امام باقر (ع) درباره نابینا پرسیدم که آیا شهادت وی جایز است؟ حضرت فرمود: آری! اگر (با قراین و دلایل) بر او ثابت شده باشد؛ جایز است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۰۰). همچنین روایت شده است: شهادت نابینا در امور شنیدنی، مانند شهادت بینا در امور دیدنی جایز است^۲ (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۹).

ب) از امام صادق (ع) روایت است: در شهادت لال اگر اشاره او معلوم و مفهوم باشد؛ جایز است. دختری غیر عرب را که درباره (کفر و اسلامش) شک و تردید داشتند؛ نزد رسول خدا (ص) آوردند، حضرت به دختر فرمود: من چه کسی هستم؟ دختر اشاره‌ای به آسمان، پیامبر (ص) و مردم کرد؛ به این معنی که تو پیامبر خدا به سوی مردم هستی. حضرت فرمود: این دختر، مسلمان است. پس اسلام را به او آموختند؛ بنابراین اشاره مفهوم سخن، اگر روشن باشد؛ جای سخن می‌نشیند^۳ (همان، ص ۵۱۰).

۱- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ الْأَعْمَى فَقَالَ نَعَمْ إِذَا اثْبَتَ»

۲- «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنَّهُمَا قَالَا شَهَادَةُ الْأَعْمَى عَلَى السَّمَاعِ جَائِزَةٌ كَشَهَادَةِ الْبَصِيرِ عَلَى النَّظَرِ وَ كَذَلِكَ مَا شَهِدَ بِهِ عَلَى عِلْمِهِ»

۳- «شَهَادَةُ الْأَخْرَسِ جَائِزَةٌ إِذَا عَلِمْتَ إِشَارَتَهُ وَ فَهِمْتَ وَ قَدْ أُتِيَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص بِجَارِيَةٍ أَعْجَبِيَّةٍ شَكَوَتْ فِي أَمْرِهَا فَقَالَ لَهَا مَنْ أَنَا فَأَوْمَتْ بِبَيْدِهَا إِلَى السَّمَاءِ وَ إِلَيْهِ وَ إِلَى النَّاسِ أَيْ إِنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْخَلْقِ فَقَالَ هِيَ مُسْلِمَةٌ فَعَلَّمُوهَا الْإِسْلَامَ وَ صَلَّى ص بِالنَّاسِ جَالِسًا مِنْ عِلْمِهِ فَقَامُوا خَلْفَهُ فَأَوْمَتْ إِلَيْهِمْ بِيَدِهِ أَنْ اجْلِسُوا فَجَلَسُوا فَأَلْبَسُوا الْمَفْهُومَ إِذَا عَلِمَ يَتَقَوَّمُ مَقَامَ الْكَلَامِ»

۴. بررسی علت برخورداری کم‌توانان جسمی و ذهنی از حقوق ویژه

از مطالبی که نسبت به وظایف حکومت در قبال کم‌توانان گذشت؛ ممکن است این شبهه پیش آید که در آیین اسلام برای این افراد حقوق و امتیازات ویژه و به احتمال تبعیض‌آمیز در نظر گرفته شده است. در پاسخ باید گفت؛ اول آنکه، «یکی از اصول و ارکان ایدئولوژی اسلامی، اصل مساوات و نفی تبعیض است» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۱۲۶)، دوم، «لازمه نظام داشتن هستی، وجود مراتب مختلف و درجات متفاوت برای هستی است؛ همین مطلب منشأ پیدایش تفاوت‌ها و اختلاف‌ها و پیدایش نیستی‌ها و نقص‌ها است و آنچه نقض بر عدالت یا حکمت می‌تواند باشد؛ تبعیض - و نه تفاوت- است» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۴۳).

سوم، یکی از تفاوت‌ها، تفاوت میان انسان‌های سالم و معلول است. از آنجا که این تفاوت، صدمه‌ای فردی و اجتماعی است؛ هرگاه یکی از افراد جامعه دچار معلولیت گردد؛ بر حاکمیت لازم است؛ بر اساس معاهدات اجتماعی میان حکومت و افراد، شرایط زندگی متعارف و برخورداری مساوی با دیگران را برای معلولان فراهم نماید. عموم و اطلاق ادله از قبیل، احکام تخفیفی، حریم خصوصی، عدالت اجتماعی، و اصل لزوم عدم تبعیض و تضامن اجتماعی میان فرد و اجتماع، برحق برخورداری از فرصت‌های برابر میان معلولان و دیگران دلالت می‌کند و بیش از دلالت این ادله، مبتنی بر حکم عقل است (ابوطالبی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۶۳-۲۶۴).

چهارم، کم‌توانان مانند باقی انسان‌ها برخوردار از اختیار و تکلیف هستند؛ ممکن است با دیگران دچار تعارض و تزاخم منافع شوند و به محاکم قضایی شکایت ببرند. بر اساس آموزه‌های دینی قاضی وظیفه دارد؛ اول، بدون ترحم و دلسوزی آنچه که حکم الهی است جاری سازد؛ دوم، شرایط جسمی کم‌توان را در جریان قضاوت لحاظ کرده و متناسب با آن داوری کند. برای نمونه محمد بن مسلم از امام صادق (ع) سؤال می‌کند؛ اگر کسی علیه فردی لال و بی‌زبان ادعای طلبی نماید و آن فرد، بی‌تنبه و شاهدی هم نداشته باشد؛ چگونه

سوگند یاد کند؟ فرمود: چنین کسی را نزد امیرمؤمنان(ع) آوردند؛ حضرت دستور داد قرآنی آوردند و از شخص لال سؤال کرد: این چیست؟ لال سر به آسمان کرده و به اشاره فهماند که کتاب خدا است. حضرت فرمود: سرپرست این شخص را بیاورید؛ برادرش را حاضر کردند؛ حضرت او را در کنار برادر نشانید و از قنبر دوات و ظرفی مثل سینی یا بشقاب یا کاسه‌ای چینی خواست و به برادر شخص لال گفت: به او بفهمان که این علی (ع) است؛ مرد این عمل را انجام داد. آنگاه امیر مؤمنان (ع) در آن ظرف نوشت: به خداوندی که جز او معبودی نیست؛ دانای پنهان و آشکار، بخشنده و مهربان، طالب، غالب، ضار، نافع و هلاک‌کننده است؛ فلان کس پسر فلانی که مدعی طلب است؛ هیچ‌گونه حق و دینی بر عهده من ندارد. سپس آن را شست و شخص لال را فرمان داد تا بیاشامد؛ لال سر باز زد و امتناع کرد؛ حضرت او را به ادای دین ملزم ساخت و به نفع مدعی حکم فرمود^۱ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۱۲).

نتیجه‌گیری

آموزه‌های دینی به دلیل برخورداری از جامعیت در برنامه‌ها و نیز توجه کردن به همه افراد جامعه، رسیدگی حکومت به کم‌توانان جسمی و ذهنی را یکی از تکالیف حاکمان به حساب آورده‌اند. از این روی در برپایی تمدن نوین اسلامی لازم است؛ بدان‌ها جامه عمل پوشانده شود. وظایف اقتصادی حکومت نسبت به کم‌توانان، تأمین زندگی و هزینه‌های

۱- « عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْأَخْرَسِ كَيْفَ يَخْلِفُ إِذَا ادَّعَى عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ لَمْ يَكُنْ لِلْمُدَّعَى بَيِّنَةٌ فَقَالَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَبِي بَاخْرَسَ وَ ادَّعَى عَلَيْهِ دَيْنٌ فَأَنْكَرَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لِلْمُدَّعَى عَلَيْهِ بَيِّنَةٌ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَبَيِّنْتُ لِلأُمَّةِ جَمِيعَ مَا يَخْتَاجُ إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ اتُّونِي بِمُصْحَفٍ فَأَتَى بِهِ فَقَالَ لِلأَخْرَسِ مَا هَذَا فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ أشارَ أَنَّهُ كِتَابُ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ اتُّونِي بِوَلِيَّتِهِ فَأَتَوْهُ بِأَخٍ لَهُ فَأَقْعَدَهُ إِلَيَّ جَنْبِهِ ثُمَّ قَالَ يَا قَنْبَرُ عَلَيَّ بِدَوَاةٍ وَ صَبِيئَةٍ فَأَتَاهُ بِهِمَا ثُمَّ قَالَ لِأَخِ الْأَخْرَسِ قُلْ لِأَخِيكَ هَذَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ إِنَّهُ عَلَيَّ فَتَقَدَّمَ إِلَيْهِ بِذَلِكَ ثُمَّ كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ - .. الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الطَّالِبُ الْعَالِبُ الضَّارُّ النَّافِعُ الْمُهْلِكُ الْمُدْرِكُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ وَ الْعَلَانِيَةَ إِنَّ فُلَانَ بِنَ فُلَانٍ الْمُدَّعَى لَيْسَ لَهُ قَبْلَ فُلَانٍ بِنَ فُلَانٍ أَغْنَى الْأَخْرَسَ حَقًّا وَ لَا طَلِبَتَهُ بِوَجْهِهِ مِنَ الْوُجُوهِ وَ لَا سَبَبَ مِنَ الْأَسْبَابِ ثُمَّ غَسَلَهُ وَ أَمَرَ الْأَخْرَسَ أَنْ يَشْرَبَهُ فَأَمْتَنَعَ فَأَلْرَمَهُ الدَّيْنَ »

آنان است؛ این امر در قالب اختصاص یارانه‌ها و تسهیلات مختلف برای آنان در امور رفاهی، آموزشی، پزشکی و غیره تحقق می‌یابد. حمایت‌های اجتماعی حکومت از آنان سبب کاستن از رنج‌ها و زمینه سازی برای رشد فضیلت‌ها و در نتیجه زندگی بهترشان می‌شود. وظایف اجتماعی دولت زمینه سازی برای حضور حداکثری کم‌توانان در عرصه‌های مختلف جامعه است. می‌توان گفت؛ یکی از جلوه‌های آن، واگذاری مسؤولیت‌های اجرایی جامعه در قالب استخدام و جذب در دستگاه‌های دولتی است. در زمینه وظایف آموزشی، حکومت موظف است؛ هرگونه تسهیلاتی جهت ارتقای سطح فکری و آموزشی کم‌توانان فراهم سازد. حمایت‌های آموزشی نقش بسزایی در شکل‌گیری ویژگی‌های مثبت همچون اعتماد به نفس در آنان دارد و موجب خواهد گردید؛ آنان برای بسیاری از مشکلات خود چاره‌سازی کنند و از انزوا و گوشه‌گیری خارج شوند. وظایف سیاسی حکومت برای کم‌توانان باید به اقتضای توانایی جسمی آنان باشد؛ لذا باید از امور دشواری چون جهاد و یا خدمت سربازی معاف گردند. وظایف حقوقی و قضایی حکومت نیز باید به دور از افراط و تفریط باشد؛ به این معنا که حکومت از سویی موظف است؛ همواره درصدد استیفای حقوق کم‌توانان برآید. زیرا آنان به دلیل شرایط جسمی و روحی خاص خود ممکن است؛ به تضییع حقوق به واسطه عده ای سودجو دچار گردند. از سوی دیگر حکومت وظیفه دارد؛ مراقبت کند؛ تا به سبب ترحم و دلسوزی به کم‌توانان، حقوق دیگر افراد تضییع نگردیده و دچار خسارت نشوند. کارگزاران دولت اسلامی با الگو قرار دادن این توصیه‌ها وظیفه دارند؛ در قانونگذاری‌ها و دستورالعمل‌ها با به کارگیری این آموزه‌ها، زمینه آسیب‌پذیری روحی و عاطفی ایشان را برطرف کرده یا به حداقل برسانند. در این صورت است که کم‌توانان جسمی و ذهنی نیز می‌توانند؛ همچون سایر انسان‌ها، در اجتماع، حضوری فعال و فزاینده داشته باشند. این همان تحقق اراده الهی و هدف آموزه‌های دینی است که می‌تواند؛ در تمدن نوین اسلامی نمود حداکثری داشته باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند، (۱۴۱۵ق)، تهران: دارالقرآن الکریم.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین أحمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، *الإصابة فی تمیز الصحابه*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن حسین، (۱۳۶۳ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، *عده الداعی و نجاح الساعی*، بی‌جا: دار الکتب الإسلامی.
- أبو داود، سلیمان بن الأشعث سجستانی، (۱۴۱۰ق)، *السنن*، بیروت: دارالفکر.
- ابوباللی، حسن؛ جعفری هرندی، محمد؛ آیتی، سیدمحمد رضا، (۱۳۹۶)، مبانی فقهی مناسب سازی برای معلولین، *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۷، (۶۵): صص ۲۶۷ - ۲۳۷.
- احمد بن حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل شیبانی، (بی‌تا)، *مسند أحمد*، بیروت: دار صادر.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف فیضی، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- تربیان، نسا، (۱۳۹۴)، خانواده، کودک معلول: نقش خدمات مشاوره ای در تسهیل روابط، *مجله رشد مشاور مدرسه*، دوره یازدهم، (۴۱): صص ۴۲-۳۵.
- جوادی آملی، عبد الله، (۱۳۸۹)، *انتظار بشر از دین*، قم: اسراء «الف».
- جوادی آملی، عبد الله، (۱۳۸۹)، *تسنیم*، قم: اسراء «ب».
- جوادی آملی، عبد الله، (۱۳۸۷)، *نسبت دین و دنیا*، قم: اسراء.
- حجتی کرمانی، علی، (۱۳۶۱)، *اسلام و تبعیض نژادی*، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- حسن بن علی (ع) امام یازدهم، (۱۴۰۹ق)، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)*، محقق: مدرسه امام مهدی (ع)، قم: مدرسه الإمام المهدی (عج).

- حسن علایی، معصومه، (۱۳۹۱)، *نابینایی از منظر آیات و روایات*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث شهر ری.
- حسینی، سید حسن؛ صفری، فاطمه، (۱۳۸۷)، *معلولیت، فقر، طرد اجتماعی، مجله رفاه اجتماعی*، (۳۰ و ۳۱): صص ۲۸۴-۲۶۵.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ داعی نژاد، محمدعلی، (۱۳۷۷)، *جامعه مدنی در بستر حکومت دینی، مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، (۵): صص ۲۷-۱۴.
- رضایی، مهدی؛ پرتوی، لطیف، (۱۳۹۴)، *زنان معلول و تعامل با جامعه (مطالعه ی کیفی زندگی اجتماعی معلولین)*، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، (۶۷): صص ۴۴-۷.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی، (۱۴۱۸ق)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعہ و المنهج*، دمشق: دار الفکر المعاصر.
- سعیدیان جزی، مریم، (۱۳۹۹)، *خطوط کلی مهندسی تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله جوادی آملی، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۳، (۱) (پیاپی ۵): صص ۳۰۴-۲۷۱.
- سید رضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۸)، *نهج البلاغه*، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۲)، *فرهنگ فقه فارسی*، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- صادقی، سهیلا؛ فاطمی نیا، محمدعلی، (۱۳۹۴)، *معلولیت؛ نیمه پنهان جامعه: رویکرد اجتماعی به وضعیت معلولین در سطح جهان و ایران*، *مجله رفاه اجتماعی*، (۵۸): صص ۱۹۲-۱۵۷.
- صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمدبن حسن، (بی‌تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
علی بابائی، غلامرضا، (۱۳۸۵)، *فرهنگ اصطلاحات علوم سیاسی*، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

قاسمی، اعظم، (۱۳۹۴)، *احکام و تکالیف شرعی ناشنویان*، *مجله توان نامه*، (۱): صص ۲۸-۳۱.

قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۷ق)، *الدعوات*، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).

کلدی، علیرضا، (۱۳۷۹)، *بررسی نگرش مردم نسبت به معلولین*، *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۱۱ و ۱۲): صص ۲۰۲-۱۷۵.

کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۷)، *قانون حمایت از حقوق معلولان*، شماره ۳۱/۵۷۲۶

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۶ق)، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

محب الرحمان، محمد مهدی؛ قاضی زاده، کاظم، (۱۳۹۴)، *حدوث قدرت بر رکوع و تاثیر آن بر نماز معلولین*، *فصلنامه فقه پزشکی*، (صص ۲۵-۲۴، صص ۱۷۴-۱۵۳).

مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، *وحی و نبوت*، قم: صدرا.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، قم: صدرا.

مغنیه، محمدجواد، (بی‌تا)، *التفسیر المبین*، بی‌جا: بنیاد بعثت.

منصوری پارسا، رقیه؛ للحجج، رفیعہ، (۱۳۹۴)، رویکرد اسلام در رابطه با معلولان و نقش طراحی توانبخشی در راستای بهبود کیفیت زندگی آنان، کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر تبریز.

نجفی، موسی، (۱۳۹۹)، نظریه «تمدن نوین اسلامی» از رویکرد فلسفی - نظری تا رویکرد تاریخی - نظری، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، (۲) (پیاپی ۶): صص ۴۰-۱.

نریمانی، محمد؛ ایل بیگی قلعه نی، رضا؛ رستمی، مریم، (۱۳۹۳)، نقش نگرش مذهبی، بهزیستی معنوی و حمایت اجتماعی در پیش بینی رضایت از زندگی مادران کودکان کم توان ذهنی، مجله اسلام و سلامت، دوره اول، (۳): صص ۴۹-۴۱.

نوری، ابالقاسم، (۱۳۶۶)، نقش کار و روش های افزایش اشتغال معلولین، مجله جامعه شناسی کاربردی، (۱): صص ۳۸-۲۷.

نوری، محمد، (۱۳۹۳)، تناسب آیات قرآنی در عرصه تکریم معلولین، مجله توان نامه، (۶-۴): صص ۲۳۷-۲۲۸.

